

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص ۱-۷ Vol 3. No 27. 2018, p 1-7

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

نقد و بررسی قانون بکارگیری سلاح در رابطه با محیط بانان

امیرعلا شهیدی رضوی^۱. مصطفی پاک نیت^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

۲. دکتری حقوق جزا و جرم شناسی - مدرس دانشگاه

چکیده

حفاظت از محیط زیست یک ضرورت بین المللی است، در اکثر کشورها برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن قوانین خاصی وضع کرده اند. یکی از قوانینی که در کشور ما، با حفظ محیط زیست ارتباط دارد، قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح است. محیط بانان بعنوان حافظین محیط زیست موظف هستند که در مواقع استفاده از سلاح از این قانون پیروی کنند. با توجه به اتفاقات و درگیری های بین محیط بانان و شکارچیان متخلف که در سالهای اخیر اتفاق افتاده است، کمبودهایی در قوانین، مخصوصا قانون بکارگیری سلاح به چشم می خورد. که در این مقاله به بررسی کاستی ها و نواقص این قانون در رابطه با بکارگیری سلاح توسط محیط بانان بعنوان یکی از ضابطین خاص می پردازیم.

واژه های کلیدی: شکارچی، سلاح، محیط بان، نیروهای مسلح

- سوالاتی که ممکن است پس از خواندن قانون بکارگیری سلاح، در ذهن بوجود آید.
- آیا قانون بکارگیری سلاح باید در رابطه با تمام ضابطین یکسان باشد؟
 - آیا شرایط و مسئولیتی که ضابط دارد در نوع بکارگیری سلاح تغییر ایجاد نمی‌کند؟
 - طبق تبصره ۳ بند ۱۰ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح
 - مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً "چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب زیر را رعایت نمایند
- الف - تیر هوائی

ب - تیراندازی کمر به پائین

ج - تیراندازی کمر به بالا

مسلم است مأمورینی که مأموریت‌های خاص انجام می‌دهند، در نحوه استفاده از سلاح دستورالعمل‌های ویژه و اختصاصی خود را دارند و نمی‌توان انتظار داشت شرایط مقرر در تبصره ۳ بند ۱۰ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح در خصوص همه آنان بصورت یکنواخت اجرا شود.

قطعا نحوه بکارگیری سلاح بین مأمور حفاظت از پرواز در مقابل هواپیما رهاها، با مأمور نیروی انتظامی که در حال تعقیب سارقی در کوچه و خیابان است، متفاوت است و نمی‌توان به مأمور حفاظت از پرواز گفت که طبق قانون بکارگیری سلاح با هواپیما رها برخورد کند و در هواپیما تیر هوایی بزند.

همچنین تیم‌های رهایی گروگان، که برای رهایی گروگان از دست گروگانگیر شرایط خاص خود را دارند و تابع شرایط ویژه نوع عملیات و در نتیجه تابع شیوه کاملاً متفاوتی در بکارگیری سلاح خود هستند.

حال به بررسی نحوه استفاده از سلاح با توجه به قانون بکارگیری سلاح در مورد محیط بانان می‌پردازیم.

محیط بانان چگونه باید از سلاح خود استفاده کنند؟

طبق ماده ۴ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست، محیط بان کسی است که مسئولیت اجرای قوانین و مقررات شکار و صید و حفاظت و بهسازی محیط زیست را در سطح حوزه استحفاظی خود بر عهده داشته و در زمینه حفاظت از حیات وحش، اکوسیستم، جلوگیری از آلودگی محیط زیست، ممانعت از تجاوز به مناطق تحت کنترل سازمان و منابع طبیعی در حوزه استحفاظی خود اقدام می‌نماید.

و همچنین براساس ماده ۲۷ همین دستورالعمل، محیط بانانی که ضابط قضایی هستند، در شرایط ضروری هنگام انجام وظیفه قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرائم، در شمار نیروهای مسلح قرار گرفته و می‌توانند طبق قانون بکارگیری سلاح، از اسلحه سازمانی خود استفاده کنند.

شرایط خاص محیط بانان

اگر گشتی در دل طبیعت زده باشید حتما می دانید طبیعت با تمام زیبایی هایش خیلی خشن و سخت است و نگهداری و حفاظت از طبیعت کاری بسیار دشوار است. فضای داخل شهر قطعا با فضای خارج از شهر و طبیعت متفاوت است. یکی دیگر از این تفاوتها اختلاف دمای هوا و شرایط آب و هوایی است. در کوهستانها مخصوصا در فصول سرد سال سرمای طاقت فرسایی در کشورمان حاکم است و برعکس آن در فصل تابستان، گرمای شدید و غیرقابل تحملی در نقاط کویری و جنوبی کشورمان وجود دارد که هر ساله شاهد آن هستیم. از تفاوتهایی دیگر که به آن می توان اشاره کرد، فضای طبیعی و خارج از شهر با داخل شهرها راههای سخت عبور و مرور آنها میباشد. مناطق شن و ماسه کویری و مناطق برفی و یخبندان و دریاها و دریاچه ها، تمام این مناطق با آسفالت کوچه و خیابانهای شهر متفاوت است. از محیط بانان انتظار می رود همانگونه که یک مامور نیروی انتظامی در کوچه و خیابانهای شهر با سارقین برخورد میکند با شکارچیان متخلف برخورد کند. در اکثریت درگیری ها محیط بانان با شکارچیان متخلف، شکارچیان مجهز به سلاح گرم هستند ولی در شهر تعداد کمی از سارقین، سلاح گرم به همراه دارند. ضابطینی که در داخل شهر خدمت میکنند، از امکانات و تجهیزات و نیروهای پشتیبانی بیشتری نسبت به محیط بانان برخوردار هستند. قطعا با توقعی که از محیط بانان داریم، چشم هایمان را بر روی تمام مشکلات و دشواریهایی که در دل طبیعت وجود دارد بسته ایم.

سلاح سازمانی محیط بانان

در ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب آمده است که افراد گارد محیط زیست به سلاح مناسبی که نوع آن با موافقت وزارت دفاع تعیین میشود مجهز می گردند. طبق تبصره ۱ ماده ۳۳ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست سلاح ارشد محیطدار، افسر محیطدار، محیطدار از نوع سلاح کمری و سلاح محیط بان غیر کمری است. سلاح سازمانی محیط بانان تفنگ کلاشنیکف است، کارخانه روسی سازنده این سلاح از سال ۱۹۴۷ شروع به تولید این اسلحه جنگی کرده است، حتی باینکه در سالهای بعد این اسلحه تغییراتی داشته است اما از تکنولوژی پیشرفته ای برخوردار نیست. تفنگ کلاشنیکف برای جنگهای چریکی و پارتیزانی ساخته شده است، سربازان در جنگها و درگیریهای نزدیک از آن استفاده میکنند و قصد کشتن دشمن خود را دارند، احتیاجی به نشانگیری دقیق ندارند که تیر حتما باید کمر به پایین اصابت کند یا بالای کمر، هدف آنها کشتن در فواصل نزدیک است و شاید فقط اسلحه را بسوی دشمن گرفته و بصورت رگبار شلیک کنند.

تفنگ کلاشنيکف در فاصله ۱۰۰ متر حدود ۱۰ الی ۲۰ سانتی متر خطا دارد، حال تصور کنید که محیط بان در کوهستان برفی در دمای بین ۲۰ تا ۳۰ درجه زیر صفر با شکارچی متخلف روبرو و درگیر میشوند یکی از آنها در نقطه ای مرتفع و دیگری در نقطه ای پست قرار دارد، یعنی محیطبان باید به گونه ای در آن شرایط نشانه گیری کند که افت تیر را نیز حساب کند، که باز بستگی دارد که محیط بان از پایین به بالا، یا از بالا به پایین شلیک کند به اینها لغزندگی زیرپای محیط بان در شرایط برفی و یخبندان و صخره های ناهموار، ضربه شلیک قلب بخاطر استرس و ترشح آدرنالین در آن لحظه و احتمالاً لرزش بدن بخاطر سرمای زیاد را نیز اضافه کنید، همچنین به شکارچی متخلفی که پشت صخره ها سنگر گرفته است، محیط بان چگونه میتواند از کمر به پایین شلیک کند؟ و با این اسلحه و شرایط خاص انتظار داشت که قوانین بکارگیری سلاح را به ترتیب و بصورت کامل رعایت کند.

با بررسی فنی و تخصصی می بینیم که شرایط یک تیراندازی دقیق و استاندارد وجود ندارد و بی تردید، کلاشنيکف اسلحه مناسبی برای محیط بانان نمی باشد.

بررسی اسلحه شکارچیان متخلف

شکارچیان متخلف معمولاً از تفنگهای ساچمه زنی و یا تفنگهای گلوله زنی که مجهز به دوربین هستند استفاده می کنند. در بعضی مواقع نیز دیده شده است که از سلاحهای جنگی مثل ژ ۳ و کلاشنيکف هم استفاده کرده اند.

در تفنگهای ساچمه زنی در هر تیر تعداد زیادی ساچمه وجود دارد، در این تفنگها احتیاج به نشانه گیری دقیق ندارد و کافی است لوله اسلحه را به سمت هدف گرفته، پس از شلیک ساچمه ها در شعاع مشخصی که بستگی به فاصله دارد پخش میشود. برد تیر در این اسلحه ها حدود ۱۵۰ متر است.

تفنگهای گلوله زنی که بعضاً مجهز به دوربین هستند، دقت بالایی در تیر اندازی دارند، تیرانداز میتواند از فواصل زیاد با کمترین خطا در تیر اندازی به سمت هدف شلیک کند.

معمولاً قیمت یک تفنگ گلوله زنی با دوربین چندین برابر یک تفنگ کلاشنيکف است.

وقتی که به تمام موارد بصورت کارشناسی بنگریم می بینیم که در تمام موارد، نبرد نابرابری بین شکارچی متخلف و محیط بان برپاست، حتی وقتی که هر دو از اسلحه کلاشنيکف استفاده می کنند!!!

علت نابرابری حتی در تفنگ یکسان این است که شکارچی متخلف هرگونه بخواهد تیراندازی می کند ولی محیط بان موظف است در صورت امکان طبق تبصره ۳ بند ۱۰ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح مراحل را به گونه ای طی کند که اول تیر هوایی در مرحله بعد تیراندازی به کمر به پایین و در انتها تیراندازی از کمر به بالا را میتواند انجام دهد، که این موضوع برای محیط بانان مسئله ساز شده است.

آرای محاکم با توجه به قانون بکارگیری سلاح

به لحاظ اینکه در تبصره ۳ بند ۱۰ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح، بصورت کلی به نحوه استفاده از سلاح پرداخته شده است، دادگاه‌ها با سلاقی مختلفی به این ماده نگاه می‌کنند و چون بررسی وضعیت و شرایط تیراندازی و معاینه محل درگیری توسط کارشناسان با نظریه‌های متفاوت و شرایط خاص محیطی صورت می‌گیرد، شاهد صدور آرای مختلفی از محاکم ذیصلاح هستیم.

یکی از مواردی که در کار محیط بانان خدشه وارد کرده است همین قضیه است، محیط بان در مواجهه با شکارچی متخلف دچار تزلزل میشود، با خود فکر می‌کند چه تضمینی است که بعد از این درگیری اگر زنده بمانم و شکارچی متخلف کشته شود، چند سالی در زندان به سر نبرم و سپس قصاص نشوم، یا باید جان بدهم یا مجازات شوم، پس بهتر است اصلاً درگیر نشوم، محیط بانان بی انگیزه میشوند و شکارچیان متخلف براحتی به شکار رفته و حیات وحش را نابود میکنند، که این موضوع به محیط زیست کشور صدمه جبران ناپذیر وارد می‌کند.

درسال گذشته تصاویری در فضای مجازی پخش شد که نشان میداد محیط بانی در فاصله سه متری شکارچی متخلفی قرار می‌گیرد که هم شکار کرده هم با نقاب و اسلحه جنگی است هر دو سلاحهای کلاشنیکف خود را به سمت یکدیگر گرفته اند و نمیدانند چکار بکنند، در نهایت مرد نقابدار با اسلحه جنگی به اخطارهای محیط بان توجه نکرده و متواری می‌شود، محیط بان هم فقط به چند تیر که به اطراف شکارچی می‌زند بسنده می‌کند.

این امر نمونه بارزی از عدم حمایت کیفری از محیط بانان و کمبود قانون در این زمینه است، شکارچی متخلف هم میداند که محیط بان به او شلیک نمیکند و خودش را به دزد سر نمی‌اندازد.

بند ۱۰ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح

یکی دیگر از عواملی که با خواندن آرای دادگاهها در رابطه با درگیرهای بین محیط بانان و شکارچیان متخلف متوجه آن می‌شویم، مغایرت شرایط محیط بانان در بعضی از مواقع با تبصره‌های ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح میباشد.

ماده ۳ - مأمورین انتظامی در موارد زیر حق بکارگیری سلاح را دارند:

۱. برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.
 ۲. برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.
- در برخی از مواقع دیده شده که چند تن از شکارچیان متخلف با یک محیط بان درگیر شده اند و یکی از متخلفین تیر خورده و کشته می‌شود، متخلفین دیگر اسلحه مقتول را بر داشته و متواری می‌شوند.

محیط بان می ماند و یک مقتول بی اسلحه و متهم می شود، که چرا به شخصی که اسلحه نداشته و تهدیدی برای او محسوب نمی شده است تیراندازی کرده و او را به قتل رسانده است. محیط بان هم که تنها بوده و شاهدهی هم ندارد. دادگاه هم مدرکی برای بی گناهی محیط بان نمی بیند و در حکم می آورد که به فردی که اسلحه نداشته و فقط به جرم اینکه با شکارچیان متخلف همراه بوده است شلیک کرده و او را به قتل رسانده است و با توجه به اینکه دفاع مشروع محسوب نمیشود به قصاص نفس محکوم می شود. این است داستان تلخ شخصی که هم تا پای جان با متخلفین جنگیده است و هم از سوی حامیان خود به مجازات قصاص محکوم می شود.

با توجه به اوضاع و احوال و قوانین فعلی بهتر است به محیط بانان گفته شود، با شکارچیان متخلف، یا اصلا درگیر نشوید و یا در صورت تکلیف قانونی در حفاظت از محیط زیست، باید به ایشان اختیار و اجازه درگیری داده شود و در نهایت مورد حمایت قانون و قوه قضاییه هم قرار بگیرند.

وضع قوانین خاص

نباید اینقدر به این موضوع کلی نگاه کرد و تمام ضابطین را موظف به اجرای یک قانون مجمل کرد. باید برای ضابطین با شرایط خاص، قوانین خاصی را هم وضع کرد تا آنها بتوانند بهتر خدمت کرده و آزادی عمل بیشتری داشته باشند، با توجه به شرایط و ماموریتها باید محدودیتها نیز تغییر کند. اگر به انجام وظیفه آنها یک قانون کلی و مجمل حاکم باشد نه تنها کارآیی آنها را کاسته ایم و جان حافظان محیط زیست را به دست خود به خطر انداخته ایم، بلکه از هدف اصلی قانونگذار که حفظ محیط زیست است غافل مانده ایم.

اگر شرایط خاص محیط بانان مورد کارشناسی دقیق قرار گیرد می توان قانون خاصی با توجه به شرایط آنان برای استفاده از سلاح وضع کرد، نوع سلاح محیط بانان را با سلاحی پیشرفته تر و مجهزتر تغییر داد، همچنین با نصب دوربین فیلمبرداری بر روی جلیقه ضد گلوله محیط بانان، صحنه های درگیری را ضبط کرد و در صورت نیاز به محاکم و کارشناسان ارائه داد. قطعاً اگر موارد فوق الذکر اجرایی شود، شکارچیان متخلف کمتر می توانند از کمبودها و خلاء های قانونی سوء استفاده کنند و جرایم علیه محیط زیست و محیط بانان، کاهش چشمگیری خواهد داشت.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری
- ۲- دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاههای اجرایی
- ۳- آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست
- ۴- دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست
- 5- <https://kalashnikov.com/en/about/>
- 6- <https://en.wikipedia.org/wiki/AK-47>
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- ۷- کلاشنیکف

